



در آید که کمترین آسیب را به همراه داشته باشد. به عنوان مثال مسئله سوخت و علی‌الخصوص میزان مصرف بنزین که در سالیان اخیر میلیاردها دلار از منابع مالی کشور را به جیب تولیدکنندگان خارجی ریخته بود جز با تصمیم و عزم جدی اصولگرایان مجلس و دولت نمی‌توانست سروسامان بگیرد. گرچه سهمیه‌بندی بنزین کامل اول از این پروسه محسوب می‌شود و دولت وعده داده است که پایان سال آینده، پایان سهمیه‌بندی هم خواهد بود اما اجرای این روش فرصتی را برای تصمیم‌گیران مهیا ساخت تا بتوانند برنامه‌های جامع از قبیل لایحه ساماندهی مصرف سوخت را تهیه و تصویب کنند. وقتی دولت سهمیه‌بندی را آغاز کرد حتی ناظران خارجی و بیرونی هم گمان نمی‌کردند این پروژه بتواند نقشه‌های بیگانگان برای افزایش فشارهای اقتصادی را ناکام بگذارد، واضح است صبر سه ماهه مجلس علی‌رغم برخی فشارها و اعطای فرصت کافی به دولت برای بهینه‌سازی سیستم عرضه سهمیه‌بندی بنزین که حاصل آن بروز کمترین مشکل در روش اجرا و ایجاد ناراضیاتی برای مردم بود، موجب شد که دولت‌نمندان با آرامش و اطمینان بیشتری عرضه سهمیه‌بندی بنزین را آغاز کنند. در دوره اجرای این پروژه نیز هر گاه احساس شد که شهروندان در مقاطعی نیاز بیشتری به بنزین دارند ستاد تبصره ۱۳ مأموریت یافت از طریق سهمیه‌های ۱۰۰ لیتری مازاد بر سهمیه پیشین، مانع از بروز هرگونه مشکلی نشود. کسانی که تصور دیگری از تعامل دولت و مجلس داشتند بر این گمان بودند که ساکنان کرسی‌های سبز مسئله بنزین را به عنصر فشار علیه دولت تبدیل خواهند کرد و پیش از آن نیز تصور می‌کردند که دولت‌نمندان با عدم اجرای مصوبه مجلس (سهمیه‌بندی بنزین) چالش تازه‌ای را در عرصه کشور ایجاد خواهد کرد. اما هر دو گمان و خیال، زیر آفتاب همکاری‌های دوگانه اصولگرایان سایه بر کشید. از جمله اقدامات مهم دیگری که در این دوره و پس از سال‌ها به نتیجه رسید ساماندهی نظام پرداخت هماهنگ کشور بود که به عنوان لایحه مدیریت خدمات کشوری در مجلس به تصویب رسید.

د: سفرهای استانی؛ احیای نقش دولت

در سالیان اخیر یکی از مشکلاتی که کشور در عرصه اقتصادی و اجتماعی با آن مواجه بود جابه‌جایی نقش‌ها و یا اجرای ناقص وظایف نهادی بود که از سوی مردم انتخاب می‌شدند. این عارضه زمانی شدت می‌گرفت که مسئولان به همان کیفیت و میزان که در کارزارهای انتخاباتی به مردم و شهروندان وعده می‌دادند آن را پیگیری نمی‌کردند و یا در صورت پیگیری با موانع ریز و درشت فراوانی برخورد می‌کردند. گاه نیز وعده‌هایی داده می‌شد که اصلاً امکان اجرایی نداشت و این ضرب‌المثل معروف را تداعی می‌کرد که «سنگ بزرگ علامت نردن است.» اما آنچه امیدها را به حل اساسی این مسئله زنده کرد ابتکار سفر استانی دولت بود. دولت نهم همانطور که در عرصه انتخابات وعده کرده بود به طور متوسط هر ۲۰ روز به یک استان سفر و جلسات خود را با حضور مدیران محلی و بومی برگزار کرد. این اتفاق فرصت بی‌ظنیری را برای مدیران ارشد محلی فراهم ساخت تا آنچه را که از کاتالان نمایندگان و در قالب طرح‌های مجلس و لایحه دولت پیگیری و زمان طولانی و انرژی زیادی صرف آن می‌کردند بی‌واسطه با رئیس‌جمهوری و هیأت وزیران برابری کنند و بخش مهمی از بار اضافی نمایندگان را از دوش آنها بردارند. با توجه به این که امور اجرایی در سراسر کشور در حیطه وظایف مدیران اجرایی است از این حیث دولت نهم به استقبال افزایش حجم وظایف خود رفت و در واقع نقش دولت را در بسیاری از مناطق دورافتاده کشور احیا کرد. جدا از این که ارتباطات رودررو،

سخنرانی‌های مستقیم رئیس‌جمهوری و هیأت وزیران موجب رونق امید و نشاط جامعه و جوانان می‌شد، این سفرها، به شکل‌گیری ذهنیت درست مردم نسبت به انتظارات خود از دولت، مجلس و... منتهی گشت. طبیعی بود که نمایندگان با در نظر داشتن سایر مزایای سفرهای استانی، این اقدام دولت را گامی در راستای شفاف‌سازی وظایف و مسئولیت‌ها بیندازند و از آن استقبال کنند. اگر دقیق‌تر به این مسئله بنگریم سفرهای استانی دولت گامی بزرگ برای بازگرداندن مجلس به جایگاه اصلی - قانونگذاری و نظارت بر دولت - کنار زدن حاشیه‌هایی نیز بوده که گرداگرد نمایندگان را احاطه کرده و مانع از فعالیتهای دقیق و فارغ‌البال آنها می‌شود. از این رو در مسئله بررسی نحوه تعامل اصولگرایان باید به ابتکار سفرهای استانی دولت نهم‌ای بالا داد.

ه: انرژی هسته‌ای؛ موتور قدرتمند، حوزه همدلی

ترسیم فضای همکاری اصولگرایان در نهاد مجلس و دولت بدون نقش و نگاری دستاوردهای هسته‌ای کاملاً بی‌شکل و هویت از آب درخواهد آمد. در حوزه‌ای که شاید بتوان گفت بیشترین همدلی و همگرایی بین تصمیم‌گیران وجود داشت موضوع هسته‌ای بود. سیاست تهاجمی دولت علی‌الخصوص ایستادگی و مقاومت در برابر درخواست‌های فزون طلبانه کشورهای مخالف، لحظه به لحظه با حمایت و پشتیبانی نمایندگان مردم همراه بود. در این دوره انگیزه هر دو نهاد برای تحصیل فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز چنان بود که دولت قدرتمند و مجلس حامی نام گرفت. در واقع می‌توان گفت پیروزی‌های پی در پی هسته‌ای و ناکام ماندن قطعنامه‌های شورای امنیت و ادعان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به یوچ بودن ادعاهای غرب درباره برنامه‌های هسته‌ای ایران سندی زنده و درخشان از وحدت رویه مجلس و دولت محسوب می‌شود. هر قطعنامه‌های ضدایرانی و نه تهدیدات نظامی و روانی (جنگ روانی) و نه فشارهای اقتصادی و... هیچ کدام نتوانستند سازوبرگ جدایی مجلس و دولت را فراهم کنند. بلکه تار و پود هسته‌ای کشور را لغو تعلیق داوطلبانه غنی‌سازی اورانیوم توسط دولت و الزام دولت به معلق کردن اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی معاهده NPT از سوی مجلس به هم بافته شد و نتیجه آن که زنجیره‌های تعلیق یکی پس از دیگری باز شدند و سرعت دستیابی به انرژی هسته‌ای شتاب روزافزونی گرفت.

و: ابر سیاه مشکلات‌های غیرضروری

یکی از مشکلات کشور در عرصه مدیریتی که به صورت نامرئی وجود دارد عدم تناسب و همراهی ساختارها با اهداف دولت‌هاست. این عارضه که بخش‌هایی از آن به ضعف قانون و عدم تجدیدنظر در قوانین مصوب سالیان گذشته و دور برمی‌گردد به شکلی ظریف و غیرقابل باور عملکرد دولت‌ها را تحت تأثیر قرار داده‌اند و هر کدام از دولت‌های اخیر نیز بنابه ویژگی‌های خود در مقابل آن چاره‌جویی کرده‌اند. دولت نهم در مقام چاره‌جویی این مسئله به شفاف‌سازی اختیاراتش دست زد. برابر رفتار دولت نهم به نظر می‌رسد یکی از مأموریت‌های دولت‌نمندان در این دوره بازتعریف و بازشناسی مسئولیت‌ها و اختیارات است.

از این رو دولت‌نمندان اصولگرا تلاش کردند طبق قانون، حوزه اختیارات و مسئولیت‌های هر نهادی مثل دولت، مجلس، قوه قضائیه و... روشن و شفاف گردد. هدف این تلاش‌ها افزایش کارآمدی نهادها بود. حتی دامنه این روند به درون دولت کشیده شد و رئیس‌جمهور برای افزایش اختیارات استانداران برخلاف رویه گذشته از اختیارات دولت‌نمندان مرکز نشین کاست. انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و واگذاری بخش‌هایی از اختیارات آن به استانداران نمونه شاخص اینگونه تصمیمات بود. شورای آتچا بود ساختارهایی که مانع از تحرک و شفافیت دولت می‌شدند از حیات منوی دیوان سالارانه نهادهای دیگری مثل مجلس برخوردار بودند و مجلسیان بنابر رویه گذشته تصور می‌کردند که دولت حتی برای تغییر ساعت رسمی کشور نیز باید از این نهاد مجوز بگیرد. حال آن که دولت اعتقاد داشت رئیس‌جمهور و هیأت وزیران وظیفه اجرای قانون اساسی را برعهده دارند و این قانون تکالیف سنگینی برعهده دولت گذاشته است. بنابراین طبیعی است که باید اختیارات متوازن در اختیار داشته باشد. تداوم این رویکرد در عملکرد مجلس به خصوص در مسائلی مثل تغییر ساعت آغاز به کار بانک‌ها، تغییرات عمیق در لایحه بودجه و تصویب قوانین برای الزام دولت به مسائل غیرضروری باعث شد که رئیس‌جمهوری در ۱۳۸۶/۱۰/۲۳ نامه انتقادآمیزش را به رئیس‌جمهوری به نگارش درآورد. در مقابل این اقدام برخی نمایندگان تصور کردند که خدشه به استقلال مجلس هدف این نامه است حال آن که رئیس‌جمهوری تنها خواهان احترام گذاشتن مجلس به اختیارات اجرایی دولت بود. اما این روند با نامه رئیس‌جمهوری متوقف شد و دخالت‌های غیرضروری نمایندگان که به محدود شدن اختیارات دولت منجر می‌شد در بررسی لایحه بودجه امسال تداوم یافت و مانع از آن شد که دولت بتواند بودجه موردنظر خودش و متناسب با وعده‌هایی که به مردم داده را در اختیار داشته باشد. به نظر می‌رسد راهی که دولت برای شفاف‌سازی ساختارها آغاز کرده هرچند با نتایج سریع همراه نباشد اما در نهایت موجب افزایش کارآمدی دولت و کاهش دخالت‌های نهادهای دیگر در امور اجرایی خواهد شد. به عبارت دیگر ایستگاه پایانی تعامل دولت و مجلس هرچند که با نارضایتی مقامات اجرایی از نمایندگان قانونگذار به پایان رسید اما پایان این خط با خبرهای خوشی برای دولت و مردم همراه خواهد بود.

و دولت با احترام به بحث‌های کارشناسی مجلس و نمایندگان تا تأیید دغدغه‌های عدالت‌گرایانه قوه اجرایی به تصمیمات مشترک و هدفمندی رسیدند که هر کدام از آنها در زمان خود با آثار مثبتی مواجه شد. از جمله کاهش نرخ سودبانکی و برچیدن امتیازات ویژه موجب وسعت یافتن دامنه بهره‌مندی شهروندان از این گونه تسهیلات با نرخی کمتر از گذشته ضمن پوشش دادن روش توزیع عادلانه منابع کشور موجب کمک به افزایش خوداشتغالی، گسترش کارگاه‌های زودبازده، کاهش بیکاری و... گشت. با غالب بودن فضای همکاری‌های سازنده بین دولت و مجلس همسو، امکان بازگشایی پرونده موضوعاتی فراهم شد که سال‌ها در میزهای کارشناسی خاک خورده اما زمینه عملیاتی شدن آنها فراهم نشده بود که لایحه برنامه جامع حمل و نقل، برنامه جامع سوخت و برنامه جامع مسکن از جمله اینها بود. در این عرصه دولت با پشتیبانی مجلس عزم خود را برای ارائه برنامه‌های زیربنایی و بلندمدت جزم کرد و نتیجه آن شد که در این عرصه‌ها نقشه راه حل مشکلات، پیش روی نه تنها این دولت و مجلس که برای دولت‌نمندان و مجلسیان آینده ترسیم شد. دولت در این حوزه معتقد بود که برخی از تصمیمات اقتصادی نباید در چنبره دیوانسالاری و کاغذ بازی گرفتار شود و با آسیب‌شناسی علت ناکارآمدی برخی از دستگاه‌های اجرایی و به نتیجه نرسیدن برخی از قوانین مصوب مجلس به سرعت اقدام به اصلاح امور کرد. شاید به جرأت بتوان ادعا کرد که ابتکار سفرهای استانی دولت بیشترین تأثیر را در شناخت دقیق تر دولت‌نمندان از مشکلات پیش رو داشت اما این تجربه به‌مختص به دولت‌نمندان نهم بود که کسی پیش از آن بدان دست نیافته بود. بنابراین با وجود فضای همدلی و هدف واحد دولت و مجلس در حوزه اقتصاد، اختلاف برداشت‌هایی پیرامون منشأ مشکلات و راه مناسب برون رفت از آنها پدیدار گشت. دولت‌نمندان به ویژه رئیس‌جمهور علوه بر مطالعات قبلی خود و استفاده از نتایج گروه‌های تحقیق به مشاهدات عینی از نتیجه برخی تصمیمات نامناسب و همین طور به ثمر نشستن مصوبات مطلوب استاد می‌کردند اما مجلسیان خود را ناچار به حفظ رویه‌ها و نقش‌آفرینی در ساختار موجود می‌دانستند. از همین رو بود که گاهی رئیس‌جمهوری در موضع پاسخ به پرسشی قرار می‌گرفت که کسی منکر نتایج مثبت و امیدبخش تصمیمات اقتصادی یا استانی نبود اما به استناد رویه‌های معمول یا آئین نامه‌ها و بخشنامه‌ها و در نهایت ساختارها شکل رفتاری دولت را به چالش می‌کشید.

با این همه به نظر می‌رسد اگر اصرار به تعامل سازنده از سوی دولت و مجلس نبود سایه سنگینی بر روابط دو طرف حاکم می‌شد.

ج: مجلس پشت دولت نه در مشت آن

زمانی که روابط قوه اجرایی و مقننه با رویکرد نقد درونی اصولگرایان و با هدف حل و فصل و اولویت‌بندی مسائل مبتلا به جامعه به مناقشه سنگین این دو نهاد منتهی می‌شد، همگان به یاد جمله معروف رئیس‌جمهور می‌افتادند که گاه به گاه در مقابل خبرنگاران مشتاق برای فهم فرجام تعامل اصولگرایان تکرار می‌کرد: «مجلس در پشت دولت است نه در مشت آن.» این جمله با همان اختصار اما صراحت بیان می‌کرد که هدف اصولگرایان نمایش تعامل مصلحتی نیست بلکه هر کدام در عمل به وظایف خود جدیت دارند. در عین این که در طول هم اهداف مورد توجه مردم را دنبال می‌کنند تازه‌های روابط مجلس و دولت با این عبارت شکل کاملاً سازمانده‌ای به پا گرفت و در این قالب بود که نتایج درمی‌یافتند با وجود آن که روز نهم نسبت به دولت‌های گذشته با شمار بیشتری از نامه‌ها، تذکرات و سؤال‌های نمایندگان مواجه بود اما پشتیبانی کامل مجلس به طور توأمان برخوردار بود. مجلس هم در طول سه سال حیات مشترک با دولت همسو نشان داد که علاقه‌ای برای ورود به فضای جنجالی و بی‌حاصل ندارد بلکه با قدرت، جدیت، صراحت و بدون تعارف برنامه‌های دولت را مورد بررسی قرار می‌دهد. نگاهی به طرح‌ها و لایحه اقتصادی و اقدامات مؤثر دولت و مجلس در این دوره نشان می‌دهد که آنچه دغدغه اصولگرایان به شمار می‌رفت یافتن رهاکار و تصویب قوانین و اجرای دقیق مصوبات مجلس بود که مدیران اجرایی هم تلاش داشتند این برنامه‌ها به گونه‌ای به اجرا